

ترجمہ
کتاب المثل والنخل

محمد بن عبدالکریم شہرستانی
(درگذشته ۵۵۴۸ھ)

از مترجمی ناشناخته
(احتمالاً از سده ششم هجری)

نسخه برگردان دستنویس شماره ۲۳۷۱
کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)

بامقدمه

سید محمد غامدی حائری

- سرشناسه : شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۹۴۷۹ - ۵۴۸ ه. ق.
- عنوان قراردادی : ملل و نحل، فارسی
- عنوان و نام پدیدآور : ترجمه کتاب الملل و النحل نسخه برگردان دستنویس شماره ۲۳۷۱ کتابخانه ایاصوفیا (استانبول) / محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ با مقدمه سید محمد عمادی حائری؛ پیشگفتار انگلیسی فرهاد دفتری؛ ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی با اضافات سید جلال حسینی بدخشانی.
- مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب: موسسه مطالعات اسماعیلی؛ ۱۳۹۵
- مشخصات ظاهری : چهل و یک، ۵۲۴، ۱۷ ص.
- فروست : میراث مکتوب: ۲۹۰. نسخه برگردان: ۲۴.
- شابک : 978-600-203-119-8
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- موضوع : ادیان - تاریخ
- موضوع : Religions-History
- موضوع : ادیان - متون قدیمی تا قرن ۱۴ ق
- موضوع : Religions-Early works to 20th century
- موضوع : اسلام - فرقه‌ها - متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع : Islamic sects-Early works to 20th century
- شناسه افزوده : عمادی حائری، سید محمد، ۱۳۵۹ - ، مقدمه نویس
- شناسه افزوده : دفتری، فرهاد، ۱۳۱۷ - ، مقدمه نویس
- شناسه افزوده : Daftary, Farhad
- شناسه افزوده : بدخشانی، سید جلال، ۱۳۲۰ - ، مترجم
- شناسه افزوده : مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ۷۰۴۱ م ۹ ش / ۲۳۶ BP
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۷۱۹۰۱

ترجمه کتاب الملل و النحل

محمد بن عبدالکریم شهرستانی
(درگذشته ۵۴۸ هـ)

از مترجمی ناشناخته
(احتمالاً از سده ششم هجری)

نسخه برگردان دستنویس شماره ۲۳۷۱
کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)

با مقدمه
سید محمد عمادی حائری



مؤسسه مطالعات اسماعیلی (لندن)



مرکز پژوهشی میراث مکتوب

تهران ۱۳۹۵ هـ ش

ترجمه

کتاب الملل و النحل

محمد بن عبدالکریم شهرستانی

از مترجمی ناشناخته

(احتمالاً از سده ششم هجری)

با مقدمه

سید محمد عمادی حائری

پیشگفتار انگلیسی

فرهاد دفتری

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی با اضافات

سید جلال حسینی بدخشانی

ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

مؤسسه مطالعات اسماعیلی (لندن)

مدیر تولید: محمد باهر

صفحه آرا و آماده سازی تصاویر: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

چاپ (دیجیتال): میراث

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۴۰۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۱۱۹-۸ ISBN 978-600-203-119-8

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در نسخ های خطی موج می زند. این نسخه ها در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامیده ایرانیان است. برعمده هنرلی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایمه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صد مکتب رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب رساله خطی موجود که کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها بطبع رسیده منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب ها و رساله های خطی وظیفه ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و صحاح، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

از فعالیت های دیگر مرکز چاپ نسخه برداردان (فایکسید) نسخه های خطی ارزشمند است. از این رو، با استفاده از تجاربی که تاکنون به دست آمده و با توجه به فعالیت های پیشین، در یک طرح منظم و روشمند شماری از نسخه های خطی را به صورت نسخه برداردان با مقدمه و نوامیه های سودمند و دسترس پژوهشگران قرار خواهیم داد.

اکبر ایرانی
مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

مقدمه

(هفده - سی و هشت)

۱. فواید عصری نگارش‌های ملل و نحل هفده
۲. شهرستانی و اصالت‌های کتاب الملل و النحل نوزده
- ۱-۲. شهرستانی و آموزه شیعی نص بیست و یک
- ۲-۲. شهرستانی و اسماعیلیان باطنی بیست و دو
- ۳-۲. شهرستانی در کنار اشاعره و در برابر کرامیان بیست و پنج
- ۴-۲. شهرستانی، فلسفه در تقابل دین و جریان غالب فلسفی در روزگار او بیست و هشت
۳. ترجمه کهن کتاب الملل و النحل: از نشانه‌های نزاری تا ویژگی‌های زبانی بیست و نه

ترجمه کتاب الملل و النحل^۱

(تصویر نسخه: برگ‌شمار ۱ ر - ۲۶۲ پ)

- ۱ [دیباجه] ۱ پ
- ۱-۰ [مقدمه نخستین: در بیان اقسام اهل عالم بر طریقی مجمل] ۲ ر
- ۲-۰ [مقدمه دوم: در تعیین قانونی کی عدد فرق اسلامی بر آن مبنی باشد] ۳ ر
- ۳-۰ [مقدمه سوم: در بیان نخستین شبهتی کی در میان خلقان افتاد و انک مصدر آن در اول که بود و مظهر آن در آخر که] ۴ ر
- ۴-۰ [مقدمه چهارم: در بیان اول شبهتی کی در ملت اسلامی افتاد و انک آن شبهت از کجا خاست و مصدر و مظهر آن که بود] ۶ ر

۱. برای آنکه خواننده تصویر روشنی از ساختار کتاب بیابد، تقسیم‌بندی آن را به صورت درختی و در آغاز هر عنوان - درون کروه - نشان داده‌ام. در رسم الخط عناوین ابواب و فصول نیز حتی المقدور رسم الخط نسخه عیناً حفظ گردیده تا نموداری از صورت رسم الخطی نسخه پیش چشم خواننده باشد. (عمادی حائری)

۱. در اصل، نسخه پیش از این عنوان به نادرست عبارت «ومن ذلک» درج شده است.

پ ۵۱	 الخوارج [۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۲	 من ذلك: المحكمه [۱-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۳	 ومن ذلك: الازارقه [۲-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۴	 ومن ذلك: النجدات [۳-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۶	 ومن ذلك: البهسيه [۴-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۷	 ومن ذلك: العجارده [۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۷	 الصلتيه [۱-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۷	 الحمزيه [۲-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۷	 الميمويه [۳-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۸	 الخلفيه [۴-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۸	 الاطرافيه [۵-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۸	 الشعيبيه [۶-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۸	 الخازميّه [۷-۵-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۸	 ومن ذلك: الثعاليه [۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۹	 الاخنسيه [۱-۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۹	 المعبدية [۲-۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۵۹	 الرشيديه [۳-۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۹	 الشيبانيه [۴-۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۵۹	 المكرميّه [۵-۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۰	 المعلوميه و المجهوليّه [۶-۶-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۰	 ومن ذلك: الاباضيه [۷-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۱	 الحفصيه [۱-۷-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۱	 اليزيديه [۲-۷-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۱	 الصفريه [۳-۷-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۶۱	 الحارثيه [۴-۷-۱-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۶۱	 تمامت رجال خوارج
ر ۶۲	 المرجيه [۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۶۲	 من ذلك: اليونسيه [۱-۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۶۲	 ومن ذلك: العبيديه [۲-۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۳	 ومن ذلك: الغسانيه [۳-۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۶۳	 ومن ذلك: الثوبانيه [۴-۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۴	 ومن ذلك: التومنيه [۵-۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
پ ۶۴	 ومن ذلك: الصالحيه [۶-۲-۴-۱-۱-۱-۱-۱]
ر ۶۵	 تمامت رجال مُرجيه

۶۵ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] الشیعیه ^۱
۶۵ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] الکیسانیه.....
۶۶ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] من ذلك: المختاریه.....
۶۷ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] [و] من ذلك: الهاشمیه.....
۶۸ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] ومن ذلك: البنانیه.....
۶۸ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۴] ومن ذلك: الرزامیه.....
۶۹ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] الزیدیه.....
۷۰ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] من ذلك: الجارودیه.....
۷۱ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] ومن ذلك: السُلیمانیه.....
۷۲ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] ومن ذلك: الصّالحیه.....
۷۲ پ	رجال زَیدیه.....
۷۳ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] الامامیه.....
۷۴ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] من ذلك: الباقریه و الجعفریه [و] الواقفه.....
۷۵ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] النّاوسیّه.....
۷۵ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] الشّمْطیه.....
۷۵ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] الافطحیه.....
۷۶ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۴] الاسمعیلیّه.....
۷۶ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۵] الموسویّه و المفضلیّه.....
۷۶ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] ومن ذلك: الاثناعشریه.....
۷۹ ر	نامها، امامان دوازده گانه نزدیک امامیان.....
۷۹ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۴] الغالیّه.....
۷۹ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۴] من ذلك: السبایّه.....
۷۹ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۲] ومن ذلك: الکاملیه.....
۸۰ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] ومن ذلك: العلّیّیه.....
۸۰ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۳] ومن ذلك: العلّیّیه.....
۸۰ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۴] ومن ذلك: المغیریّه.....
۸۱ ر	[۱-۱-۱-۱-۱-۵] ومن ذلك: المنصوریه.....
۸۱ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۶] ومن ذلك: الخطایّه.....
۸۳ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۷] ومن ذلك: الکیالیّه.....
۸۴ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۸] ومن ذلك: الهشّامیه.....
۸۵ پ	[۱-۱-۱-۱-۱-۹] ومن ذلك: النعمانیّه.....

۱. در اصل نسخه، پیش از این عنوان به نادرست عبارت «ومن ذلك» درج شده است.

- [۱-۲] ومنها: اهل الاهوا والنحل ۱۲۰ ر
- [۱-۲-۱] من ذلك: الصاييه ۱۲۱ ر
- [۱-۱-۲-۱] اصحاب الروحانيات ۱۲۱ پ
- حكمتها، هرمس ۱۴۱ پ
- [۲-۱-۲-۱] اصحاب الهياكل والاشخاص ۱۴۳ پ
- [۳-۱-۲-۱] الحرنانيه ۱۴۶ ر
- [۲-۲-۱] ومن ذلك: الفلاسفه ۱۴۷ پ
- [۱-۲-۲-۱] الحكماء السبعة الاوائل ۱۴۷ پ
- [۱-۱-۲-۲-۱] رأي ثالث ۱۴۹ ر
- [۲-۱-۲-۲-۱] رأي انكساغورس ۱۵۰ پ
- [۳-۱-۲-۲-۱] رأي انكسيمانس ۱۵۱ پ
- [۴-۱-۲-۲-۱] رأي انبادقلس ۱۵۲ پ
- [۵-۱-۲-۲-۱] رأي فيثاغورس ۱۵۵ پ
- [۶-۱-۲-۲-۱] رأي سُقراط ۱۶۰ پ
- [۷-۱-۲-۲-۱] رأي افلاطون ۱۶۳ ر
- [۲-۲-۲-۱] الحكماء الاصول ۱۶۶ پ
- [۱-۲-۲-۲-۱] رأي فلوطرخيس ۱۶۷ ر
- [۲-۲-۲-۲-۱] رأي كسنوفانس ۱۶۷ پ
- [۳-۲-۲-۲-۱] رأي زينون الاكبر ۱۶۸ ر
- حكمتها، او ۱۶۸ پ
- [۴-۲-۲-۲-۱] رأي ديمقراطيس و شيعته ۱۶۹ پ
- [۵-۲-۲-۲-۱] رأي فلاسفه اقاداميا ۱۷۰ ر
- [۶-۲-۲-۲-۱] رأي هرقل الحكيم ۱۷۰ پ
- [۷-۲-۲-۲-۱] رأي ابيقورس ۱۷۱ ر
- [۸-۲-۲-۲-۱] حكمتها، سولون الشاعر ۱۷۱ ر
- [۹-۲-۲-۲-۱] حكمتها، اوميرس الشاعر ۱۷۲ ر
- [۱۰-۲-۲-۲-۱] حكمتها، بقراط ۱۷۴ ر
- [۱۱-۲-۲-۲-۱] حكمتها، ديمقراطيس ۱۷۵ پ
- [۱۲-۲-۲-۲-۱] حكمتها، اوقليدس ۱۷۶ پ
- [۱۳-۲-۲-۲-۱] حكمتها، بطليموس ۱۷۶ پ
- [۱۴-۲-۲-۲-۱] حكما اهل المظال ۱۷۸ ر
- [۲-۲-۲-۱] الحكماء الذين تلوهُم في الزمان وخالفوهُم في الراي ۱۷۹ ر

رای ارسطاليس.....	[۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ اَوَّل: در اثبات واجب الوجود کی محرک اول است.....	[۱-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ دَوِّم: در انک واجب الوجود است.....	[۲-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ سَوِّم: بر انک واجب الوجود بذات از ذات خویش عاقل است و عاقل و معقول بذات از غیر عاقل است یا نه؟.....	[۳-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ چَهَارَم: در انک واجب الوجود را تغییری و تأثیری از غیر عاقل پیش نیاید در انج ابداع کند تا بآن عاقل شود.....	[۴-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ پنْجَم: در انک واجب الوجود حی بذات باقی بذات است.....	[۵-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ شَشَم: بر انک از واحد الا واحد صادر نشود.....	[۶-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ هَفْتَم: در عدد مفارقات.....	[۷-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ هَشْتَم: در انک اول مبتهج است بذات.....	[۸-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ نَهَم: در صادر شدن نظام کُل و ترتیب ان ازو.....	[۹-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ دَهَم: بر انک نظام در کل بخیر و شر متوجّه باشد و در قدر بعرض واقع شود.....	[۱۰-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ یازدهم: در انک حرکات سرمدی باشد و حوادث همیشگی.....	[۱۱-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ دوازدهم: در کیفیت ترکیب عناصر.....	[۱۲-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ سیزدهم: در آثار علویّه.....	[۱۳-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ چهاردهم: در نفس انسانی ناطقه و اتصال آن ببدن.....	[۱۴-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ پانزدهم: در وجه اتصال نفس ببدن و وقت اتصال آن.....	[۱۵-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ شانزدهم: در بقا نفس بعد از بدن و سعادات ان در عالم عقلی.....	[۱۶-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
مَسْئَلَةُ شانزدهم: در بقا نفس بعد از بدن و سعادات ان در عالم عقلی ...	[۱۷-۱-۲-۲-۲-۲-۱]
حکمتها، اسکندر رومی.....	[۱۸-۲-۲-۲-۲-۱]
حکمتها، دیوجانس کلبی.....	[۱۹-۲-۲-۲-۲-۱]
حکمتها، شیخ یونانی.....	[۲۰-۲-۲-۲-۲-۱]
حکمتها، ثاوفریطیس.....	[۲۱-۲-۲-۲-۲-۱]
شبهتھا، برقلس در قدیم عالم.....	[۲۲-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ اَوَّل.....	[۱-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ دَوِّم.....	[۲-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ سَوِّم.....	[۳-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ چَهَارَم.....	[۴-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ پنْجَم.....	[۵-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ شَشَم.....	[۶-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ هَفْتَم.....	[۷-۶-۲-۲-۲-۲-۱]
شُبْهَتِ هَشْتَم.....	[۸-۶-۲-۲-۲-۲-۱]

- [۷-۲-۲-۲-۱] رای ثامسطیوس ۱۹۷ ر
- [۸-۲-۲-۲-۱] رای اسکندر افرویدیسی ۱۹۷ پ
- [۹-۲-۲-۲-۱] رای فروریوس ۱۹۸ ر
- [۳-۲-۲-۱] المتأخرون من فلاسفة الإسلام ۲۰۰ ر
- [۱-۳-۲-۲-۱] [کلام ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا] ۲۰۰ ر
- [۱-۱-۳-۲-۲-۱] کلامه فی المنطق ۲۰۰ ر
- [۱-۱-۳-۲-۲-۱] فی المركبات ۲۰۱ پ
- [۲-۱-۳-۲-۲-۱] فی القیاس و مبادیه و اشکال و نتایج ۲۰۳ ر
- [۳-۱-۳-۲-۲-۱] القیاسات الشرطیة بقضایاها ۲۰۴ ر
- [۴-۱-۳-۲-۲-۱] فی مقدمات القیاس من جهة ذواتها و شرایط البرهان ۲۰۴ پ
- [۵-۱-۳-۲-۲-۱] الاجناس العشره ۲۰۴ پ
- [۶-۱-۳-۲-۲-۱] فی تفسیر الفاظ یحتاج الیه المنطقی ۲۰۷ پ
- [۲-۱-۳-۲-۲-۱] فی الالهیات ۲۰۸ ر
- [۱-۲-۱-۳-۲-۲-۱] [مسئله اول: در موضوع این علم و جملگی انج دران نظر کنند ۲۰۸ ر
- [۲-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله دوم: در تحقیق جوهر جسمانی و آنج ازان متركب شود و آنک ماذت جسمانی از صورت معزا نشود و انک صورت بر مادت در مرتبه وجود متقدم باشد ۲۰۹ ر
- [۳-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله سوم: در اقسام علل و احوال آن و در قوت و فعل و اثبات کیفیات در کمیت و انک کیفیات اعراض است نه جواهر ۲۱۰ پ
- [۴-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله چهارم: در متقدم و متأخر و قدیم و حادث و اثبات ماده هر متکوئی ۲۱۲ ر
- [۵-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله پنجم: در کلی و واحد و لواحق آن ۲۱۲ پ
- [۶-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله ششم: در تعریف واجب الوجود بذات و انک بذات او و غیر او بهم نباشد و انک او را در ذات بوجهی کثرت نباشد و او خیر محض است و حق محض است و او واحدی است از وجودی پراکنده و روا نباشد کی دو واجب الوجود باشد و در اثبات واجب الوجود بذاته ۲۱۳ پ
- [۷-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله هفتم: در انک واجب الوجود عقل است و عاقل و معقول و او بذات عاقل است و اشیا و صفات ایجابی و سلبی او کثرتی در ذات او واجب نکند و نه در کیفیتی در صادر شدن افعال از او ۲۱۵ پ
- [۸-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله هشتم: در انک از واحد صادر نشود الا واحد و در ترتیب وجود عقول و نفوس و اجرام علوی و انک محرک نزدیک سماویات را نفس است و مبدا دورتر عقل و خیال ۲۱۷ پ
- [۹-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله نهم: در عنایت ازلی و بیان آمدن شر در قضا ۲۲۲ ر
- [۱۰-۲-۱-۳-۲-۲-۱] مسئله دهم: در معاد و اثبات سعادات دایمه نفوس را و اشارتی بنبوت و کیفیت وحی و الهام ۲۲۳ ر

کیفیت وحی و الهام	۱۰-۲-۱-۳-۲-۲-۱	پ ۲۲۳
الطبیعیات ^۱	۳-۱-۳-۲-۲-۱	پ ۲۲۶
مَقَالَتِ اَوَّل: در لواحق اجسام طبیعی	۱-۳-۱-۳-۲-۲-۱	ر ۲۲۷
مَقَالَتِ دوم: در کاره‌ها، طبیعی و غیرطبیعی اجسام را	۲-۳-۱-۳-۲-۲-۱	پ ۲۳۱
مقاله سوم: در مرکبات و آثار علوی	۳-۳-۱-۳-۲-۲-۱	ر ۲۳۴
مقاله چهارم: در نفوس و قوت‌ها، آن	۴-۳-۱-۳-۲-۲-۱	پ ۲۳۶
مَقَالَتِ پنجم: در انک نفس جسمانی جوهر است نه جسم و قایم بجسم و ادراک آن بآلات باشد و باشد کی بذات باشد نه بآلات و آن یکی باشد و قوت‌هاش بسیار آید و آن حادث باشد بحدوث بدن و باقی باشد بعد از فناى بدن	۵-۳-۱-۳-۲-۲-۱	پ ۲۳۹
مقاله ششم: در وجه آمدن عقل نظری از قوت بفعل و احوالی که بنفس انسانی خاص باشد از خواب راست و دروغ و ادراک علم غیب و مشاهده آن بصورت‌های کی از بیرون ازان وجوه آنرا وجود نباشد و معنی نبوت و معجزات و خصایص آن کی از مخاریق بآن متمیز شود	۶-۳-۱-۳-۲-۲-۱	پ ۲۴۳
ومن ذلک: ارآ العرب	۳-۲-۱	پ ۲۴۵
معطله عرب	۱-۳-۲-۱	ر ۲۴۷
محصله عرب	۲-۳-۲-۱	پ ۲۴۸
ومن ذلک: ارآ الهند	۴-۲-۱	ر ۲۵۴
البراهمه	۱-۴-۲-۱	ر ۲۵۴
من ذلک: البدهه	۱-۱-۴-۲-۱	پ ۲۵۵
اصحاب فکرت و وهم	۲-۱-۴-۲-۱	ر ۲۵۶
اصحاب تناسخ	۳-۱-۴-۲-۱	ر ۲۵۷
اصحاب الروحانیات	۲-۴-۲-۱	پ ۲۵۷
الباسویه	۱-۲-۴-۲-۱	پ ۲۵۷
اليهودیه	۲-۲-۴-۲-۱	پ ۲۵۷
الکابلیه	۳-۲-۴-۲-۱	ر ۲۵۸
البهادونیه	۴-۲-۴-۲-۱	ر ۲۵۸
عبدة الکواکب	۳-۴-۲-۱	پ ۲۵۸
عَبْدَه الشمس	۱-۳-۴-۲-۱	پ ۲۵۸
عَبْدَه القمر	۲-۳-۴-۲-۱	ر ۲۵۹
عَبْدَه الاصنام	۴-۴-۲-۱	ر ۲۵۹

پ ۲۵۹	 [۱ - ۴ - ۴ - ۲ - ۱] المہاکالیہ
ر ۲۶۰	 [۲ - ۴ - ۴ - ۲ - ۱] البرکسہکیہ
ر ۲۶۰	 [۳ - ۴ - ۴ - ۲ - ۱] الدھکینیہ
پ ۲۶۰	 [۴ - ۴ - ۴ - ۲ - ۱] الجاہکیہ
پ ۲۶۰	 [۵ - ۴ - ۴ - ۲ - ۱] الاکنوطریہ
ر ۲۶۱	 [۵ - ۴ - ۲ - ۱] حکماء الہند

پیشگفتار و مقدمہ انگلیسی

(5-17)

Foreword	5
Introduction	7

مقدمه

۱. فواید عصری نگارش‌های ملل و نحل

ملل و نحل نویسی نوعی است از انواع نگارش‌های دنیای قدیم اسلامی که به شرح و توصیف باور گروه‌های دینی گوناگون، و در برخی موارد نقد و نقض عقاید آنان، اختصاص دارد. کتاب‌هایی همچون کتاب الآراء و الدیانات - که امروزه مفقود است - و فرق الشیعة هر دو از حسن بن موسی نوبختی (م. نیمه نخست قرن چهارم)، الفرق بین الفرق عبدالقاهر بغدادی (م ۴۲۹ ق)، الفصل فی الملل والأهواء والنحل از علی بن احمد ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶ ق)، بیان الأديان محمد بن نعمت علوی بلخی (تألیف شده در ۴۸۵ ق)، الملل و النحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ ق)، إعتقادات فرق المسلمين و المشرکین فخر رازی (م ۶۰۶ ق) و تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام محمد بن حسین بن حسن رازی (م. نیمه اول قرن هفتم)، از زمره کتاب‌های این نوع نگارشی هستند که برخی به گزارش و نقد عقاید معتقدان انواع دین‌ها و باورها (اعم از توحیدی و غیرتوحیدی) پرداخته‌اند و برخی دیگر تنها به شرح عقاید فرق اسلامی و یا حتی فرق شیعی. برخلاف منابع کلامی و اعتقادی، بیشتر مؤلفان ملل و نحل نویس می‌کوشیدند خود را تنها گزارش‌گر امین عقاید و باورهای فرقه‌های مختلف نشان دهند و نه مدافع یک اعتقاد خاص؛ اما کیست که نداند هر یک از آنان - اگرچه در نهان - به

موجه نشان دادن اعتقاد و باور مذهب مختار خود و رد باورهای فرقه‌های رقیب اهتمام داشته‌اند.^۱ این گونه است که شهرستانی در مقدمه الملل و النحل تأکید می‌کند که با وجود بی‌طرفی او و بی‌آنکه وی کوششی در تعیین صحیح از فاسد و حق از باطل داشته باشد، روشنی حق و تاریکی باطل خود را در کتاب نشان خواهد داد: «شرط من بر نفس من آنست کی مذهب هر فرقتی چنانک در کتابها، ایشان یافته‌ام بی تعصبی و کسری بیاورم بی آنک صحیح آن از فاسد آن بازنمایم یا حق آن از باطل آن معین کنم؛ اگرچه بر افهامی کی دقایق دلایل عقلی دریاود روشنایی حق و تاریکی باطل پوشیده نماند».^۲

اما آنچه امروزه در منابع کهن ملل و نحل اهمیت دارد نه نقل صرف آن کتاب‌ها از مؤلفان منابع پیشین و احیاناً ذکر فرقه‌سازی‌های آنان، بل که در گزارش‌هایی است که این منابع از احوال فرقه‌ها در عصر خود و آرا و عقاید ایشان در آن روزگار به دست می‌دهند و یا در آنجایی که مؤلفان این منابع رأی و تلقی خود یا معاصرانشان را از آرا و باورهای فرقه‌ها و قرابت‌ها و تفاوت‌های میان آن آرا و باورها به نمایش می‌گذارند. برای نمونه، اینکه نوبختی در فرق الشیعة (تألیف شده پیش از سال ۲۸۶ ق) فرقه‌های اسلامی را به

۱. برای نمونه، نجاشی (: ۶۳) به وضوح میان دو اثر نوبختی با عنوان کتاب فرق الشیعة و کتاب الرد علی فرق الشیعة ما خلا الإمامیة فرق می‌گذارد و آنها را دو کتاب جداگانه می‌شناساند. از عنوان این دو کتاب، به خوبی می‌توان به تفاوت‌های موضوعی و انگیزه‌ای در تألیف این دو کتاب پی برد. نوبختی در فرق الشیعة بیشتر گرایش توصیفی دارد و چندان به نقد و بحث تفصیلی درباره مدعیات فرقه‌ها نمی‌پردازد، و ظاهراً وی نقد عقاید فرقه‌های غیر امامی را به کتاب‌های دیگر خود مانند کتاب الرد ... واگذار کرده بود. با وجود این، از ساختار کتاب و نحوه تقسیم‌بندی فرق الشیعة پیداست که نوبختی تلویحاً بیان حقانیت شیعه امامیه را مد نظر داشته است؛ چنان‌که به طور مشروح‌تری به ذکر اعتقادات امامیه در باب امامت پرداخته (نوبختی: ۱۰۸-۱۱۲) و طی گزارش فرقه‌ها شرح کوتاهی از زندگانی، وفات، مدت امامت و پدر و مادر یازده امام شیعه امامیه - از امیرمؤمنان علی^(ع) تا امام حسن عسکری^(ع) - آورده (نک: همو، به ترتیب: ۲۰-۲۴، ۵۳، ۶۱، ۶۶، ۸۴-۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۱، ۹۲-۹۳، ۹۵-۹۶)، که این امر تنها درباره محمد بن حنفیه تکرار شده است (نک: همو: ۲۷).

۲. نسخه‌برگردان حاضر: ۴ ر؛ برابر با: کتاب الملل و النحل: ۱/ ۲۳.

چهار گروه شیعه، معتزله، مرجئه و خوارج تقسیم می‌کند،^۱ گویای طرز تلقی وی از انواع باورهای فرق اسلامی در عصر اوست؛ و گزارش علوی بلخی در بیان الادیان از دو فرقه اسماعیلی ناصریه (منتسب به ناصر خسرو) و صباویه (منتسب به حسن صباح) در روزگار خود،^۲ از داده‌های دست اول و خاص کتاب او به شمار می‌آید. با استناد به این نگاه‌ها و گزارش‌های عصری، می‌توان تحول آرا و باورهای یک فرقه را هم با دیروزشان سنجید و هم با امروزشان مقایسه کرد.

طبعاً کتاب‌هایی که امروزه در باب فرق و نحل تألیف و تدوین می‌شوند^۳ نیز از این نظر می‌توانند درخور اعتنا باشند که با تکیه بر منابع قدیم و گزارش‌های جدید، حیات دینی، فکری و اجتماعی یک فرقه را به دیروز آن از یک سو و امروز آن از سوی دیگر پیوند دهند و تحول و تطور آن حیات - و احیاناً ثبات آن - را بنمایانند.

۲. شهرستانی و اصالت‌های کتاب الملل و النحل

فخر رازی (م ۶۰۶ ق) در برابر تحسین شرف‌الدین مسعودی از الملل و النحل شهرستانی، به وی یادآور می‌شود که کتاب شهرستانی قابل اعتماد نیست، چراکه وی شرح عقاید فرق اسلامی را از الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی برگرفته و در کتابش نقل نموده است حال آنکه بغدادی فردی متعصب بوده و در نقل عقاید فرقه‌ها جانب امانت را رعایت نکرده است.^۴ فخر در ادامه می‌افزاید که کتاب معتبر در باب فیلسوفان

۱. نک: نوبختی: ۱۷.

۲. نک: علوی بلخی: ۲۰۹-۲۱۲.

۳. در دوره معاصر با تأسی به آن نوع کهن نگارشی، فرهنگ‌هایی در شرح فرقه‌های اسلامی تألیف شده که از آن میان می‌توان به این دو کتاب (هر دو به زبان فارسی) اشاره کرد: فرهنگ فرق اسلامی، محمدجواد مشکور، با مقدمه و توضیحات کاظم مدیرشانه‌چی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش؛ فرهنگ جامع فرق اسلامی، سید حسن خمینی (برپایه دست‌نوشته‌های ... سید مهدی روحانی)، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۹ ش.

۴. رازی، مناظرات ... : ۳۹.

نیز صوان الحکمة است، اما شهرستانی جز اندکی از مطالب آن را در کتابش نقل نکرده است؛ و در باب ادیان عرب نیز، مطالب کتاب شهرستانی برگرفته از ادیان العرب جاحظ است.^۱ در برابر اینها، فخر اشاره می‌کند که از ویژگی‌های کتاب شهرستانی - که آن را منابع پیش از خود متمایز می‌سازد - ترجمه عربی شهرستانی از چهار فصل حسن صباح و بحث‌هایی است که وی در باب استدلال‌های آن طرح کرده است.^۲

در محدودهٔ فرق اسلامی، مقایسه‌ای نمونه‌وار میان مطالب الملل و النحل شهرستانی و الفرق بین الفرق بغدادی، صحت ادعای فخر را در باب پیروی شهرستانی از کتاب بغدادی به طور کلی تأیید می‌کند.^۳ (صرف‌نظر از تقسیم‌بندی منسجم و منطقی شهرستانی^۴ در مقایسه با کتاب بغدادی). اینجاست که دیگر مطالب شهرستانی در باب فرقه‌های شیعی برای ما اهمیتی نخواهد داشت و شگفتی ما از تفریعات او در باب فرق شیعه - که بسیاری از آنها در عصر شهرستانی اساساً وجود خارجی نداشتند - از میان خواهد رفت؛ چرا که با مقایسهٔ کتاب او و الفرق بین الفرق درمی‌یابیم که نوشتهٔ شهرستانی در این باب نه از منظر شخصی او و نه گزارش عصری او، بل که نقل قولی از کتاب بغدادی است.^۵

در برابر این، آنچه در الملل و النحل می‌تواند برای ما مهم باشد، نگرش شخصی

۱. همان: ۳۹-۴۰.

۲. همان: ۴۰.

۳. برای نمونه، نک: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱/ ۴۹-۷۸ (فرق معتزله)، ۱۰۵-۱۲۴ (فرق خوارج)، ۱۲۵-۱۳۰ (فرق مرجئه)؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۱۸ ر - ۳۶ پ (فرق معتزله)، ۵۱ پ - ۶۱ پ (فرق خوارج)، ۶۲ أ - ۶۵ أ (فرق مرجئه)؛ قس: بغدادی: ۱۱۴-۲۰۱ (فرق معتزله)، ۷۲ - ۱۱۳ (فرق خوارج)، ۲۰۲-۲۱۵ (فرق مرجئه).

۴. شهرستانی در مقدمهٔ دوم کتاب الملل و النحل (۱/ ۲۱-۲۳؛ برابر با نسخه‌برگردان حاضر: ۳ ر - ۴ ر) ملاک تقسیم‌بندی خود را شرح داده است.

۵. نک: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱/ ۱۳۱-۱۶۹ (برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۶۵ ر - ۸۷ ر)؛ قس: بغدادی: ۲۹-۷۱.

شهرستانی و روایت عصری اوست که اصالت‌های کتابش را در نظر ما برجسته می‌سازد. از مهمترین این اصالت‌ها می‌باید به این موارد اشاره کرد: اتکای شهرستانی به آموزه شیعی «نص»، طرز مواجهه او با اسماعیلیان باطنی و گزارش وی از اختلافات فکری و مناظرارش با نزاریان عصر خود، نظر وی در باب اشاعره و کرامیان، و قرار دادن فلسفه در تقابل با ادیان و اشاره به جریان غالب فلسفی روزگارش.

۲- ۱. شهرستانی و آموزه شیعی نص

برخلاف بغدادی که از اختلاف در جانشینی پیامبر^(ص) به سادگی گذر می‌کند^۱ و آن را در زمره مجموعه‌ای از اختلافات مسلمانان پس از رحلت پیامبر^(ص) می‌نشاند،^۲ در نظر شهرستانی «بزرگترین خلافی میان اُمت خلاف امامت است».^۳ درست به عکس بغدادی الفرق بین الفرق که یک سنی مذهب متعصب است، شهرستانی آشکار و پنهان گرایش شیعی خود را در الملل و النحل - مخصوصاً در مقدمه‌های کتاب - نشان داده است؛ از جمله در آنجا که صراحتاً می‌گوید: «وعلى الجملة كان على مع الحق والحق معه».^۴ در برابر بغدادی که از «شیعه» با عنوان «روافض» و «رافضه» یاد کرده است،^۵ شهرستانی از «شیعه» با همین عنوان نام می‌برد.^۶ اما مهمتر از این تفاوت عناوین، تأکید شهرستانی بر

۱. نک: بغدادی: ۱۵.

۲. نک: همو: ۱۴- ۱۸.

۳. نسخه‌برگردان حاضر: ۷ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۳۰.

۴. همان: ۹ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۳۳.

۵. نک: بغدادی: ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۱۶، نیز: ۲۹.

۶. نک: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۱۳۱؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۶۵ ر (الشیعیه). جالب آنکه شهرستانی روایت نسبت داده شده به پیامبر^(ص) که «المشبهة يهود هذه الامة والروافض نصاراها» را در کتاب الملل و النحل (۱/ ۲۷؛ برابر با نسخه‌برگردان حاضر: ۶ ر، با اختلافی اندک) نقل کرده اما «روافض» را به غالیان در نبوت و امامت و معتقدان به حلول تفسیر کرده است (همان‌جاها). بدین ترتیب، شهرستانی «روافض» را حداکثر گروهی از منحرفان شیعه به شمار آورده و عنوان توهین آمیز «روافض» را از «شیعه» به سوی دیگر برده است.

آموزه شیعی «نصّ» است.

شهرستانی در سرآغاز گزارش خود از عقیده شیعه، خصوصیت شیعه را باور به آموزه «نصّ» و وجوب «تعیین و تنصیص» در امامت می‌شناساند.^۱ ذکر این ویژگی برای شیعه را مقایسه کنید با جایگاه کلیدی «نصّ» در گزارشی که شهرستانی از سرآغاز اختلاف مسلمانان به دست می‌دهد؛ آنجا که در ابتدای مقدمه سوم کتاب می‌نویسد: «اول شبهتی کی در میان مردم افتاد شبهه ابلیس - لعنه الله - بود؛ و مصدرش از آنجا خاست کی رای خویش را در مقابله نص آورد و بران مصرّ شد و هوا را در معارضه امر اختیار کرد.»^۲

اگر از گرایش‌های شیعی شهرستانی باخبر باشیم، آنگاه تأکید او بر آموزه شیعی «نصّ» و مخالفتش با رأی برجسته می‌شود و تکیه وی به نقش سرپیچی از نصّ پیامبر (ص) در اختلاف مسلمانان صدر اسلام بیشتر به چشم می‌آید.

۲-۲. شهرستانی و اسماعیلیان باطنی

بغدادی در کتابش یک بار از «اسماعیلیه» نام می‌برد و سپس خواننده را برای تفصیل بیشتر به مدخل باطنیه و غلات ارجاع می‌دهد؛^۳ یعنی به باب چهارم کتابش که آن را به

۱. همان: ۱/ ۱۳۱؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۶۵ ر.

۲. نسخه‌برگردان حاضر: ۴ ر؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱/ ۲۳. نیز نک: همو، کتاب الملل و النحل: ۱/ ۲۸ (برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۶ پ) که که از تقابل «هوا» با «نصّ» سخن می‌گوید. این نوشته شهرستانی در مقدمه چهارم کتاب نیز به آفت خوار گرفتن نصّ نبوی اشاره دارد: «و اول منازعتی کی در بیماری او (پیامبر) - صلوات الله علیه - افتاد، چنانک محمد بن اسمعیل بخاری از عبدالله عباس - رضی الله عنه - روایت می‌کند، آن بود کی چون آن بیماری کی پیامبر - صلی الله علیه وآله - دران وفات یافت برو سخت شد، گفت: دواتی و کاغذی بیاورید تا بسوی شما چیزی بنویسم کی پس از من بی‌راه نشوید؛ ... گفت: رنج بر پیغامبر خدای - تعالی - غالب شده است حسبنا کتاب الله؛ و انچ با آن رفت تا پیامبر - علیه السلام - گفت: برخیزید کی نزدیک من منازعت نشاید کردن. ابن عباس گفت: مصیبت آن مصیبت بود کی ما را از نامه رسول بپوکند.» (نسخه‌برگردان حاضر: ۷ ر؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱/ ۲۹).

۳. بغدادی: ۶۲-۶۳.

ذکر فرقه‌هایی اختصاص داده که پیروانشان را منتسب به اسلام ولی درحقیقت خارج از آن می‌شمرده است. در این باب، بغدادی به تندی بر اسماعیلیان باطنی و آرا و باورهایشان تاخته^۱ و روایتی از ظهور این فرقه به دست داده که تا قرون اخیر باور رسمی دنیای اسلام در باب اسماعیلیه تلقی می‌شده است.^۲ اما شهرستانی که در جایگاه نخست از تقسیم‌بندی و عنوان انتخابی بغدادی تبعیت کرده است (گو اینکه توضیحات شهرستانی در ذیل این عنوان با توضیحات بغدادی یکی نیست)،^۳ در جایگاه دوم نه در ذیل فرقه‌های غالی شیعه بل که به صورت فرقه‌ای مستقل و با همان عنوان «اسماعیلیه»^۴ به شرح آرای اسماعیلیان باطنی می‌پردازد.^۵ اگر به یادآوری هوشمندانه فخر رازی به مسعودی بازگردیم، راز این تکرار دوباره عنوان «اسماعیلیه» را درمی‌یابیم: شهرستانی از تقسیم‌بندی بغدادی در کتابش تبعیت می‌کند، اما از آنجا که در باب اسماعیلیه و مخصوصاً اسماعیلیان باطنی با اعتقاد و مخالفت تند بغدادی موافق نیست، در عنوان نخست نگاه و نوشته خود را جایگزین نوشته بغدادی می‌کند و در عنوان دوم - بار دیگر ذیل عنوان «اسماعیلیه» - به کلی از کتاب بغدادی فاصله می‌گیرد و شرح آرا و باورهای اسماعیلیان باطنی را از دریچه فکر و قلم خود می‌نویسد؛ و بدین ترتیب آن تکرار عنوان را در کتابش پدید می‌آورد.

۱. بغدادی (۲۸۲) معتقد است که زیان باطنیان اسماعیلی برای مسلمانان بیش از زیان یهود و نصارا و مجوس، بل که ملحدان و حتی دجال آخرالزمان، است.

۲. برای تفصیل روایت بغدادی از مبدا و باورهای اسماعیلیان باطنی و ردیه‌های او بر آنان، نک: همو: ۳۱۲-۲۸۱.

۳. نک: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۱۴۹ (برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۷۶ ر)؛ قس: بغدادی: ۶۲-۶۳، نیز: ۶۴ (ذیل «المبارکيه»). در متن ویراسته بدران از کتاب الملل والنحل (همان‌جا) قید «الواقفة» به «الإسماعیلیة» افزوده شده است اما در نسخه‌برگردان حاضر (همان‌جا) این افزوده دیده نمی‌شود. با توجه به تأسی شهرستانی از کتاب بغدادی در تقسیم‌بندی کتاب الملل والنحل، احتمالاً ضبط متن نسخه‌برگردان اصیل‌تر از متن عربی ویراسته بدران است.

۴. نک: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۱۷۰؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۸۷ پ.

۵. نک: همان: ۱/ ۱۷۰-۱۷۸؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۸۷ پ - ۹۱ پ.

این تفاوت و اختلاف میان کتاب شهرستانی و کتاب بغدادی، البته در نگاه مثبت شهرستانی به اسماعیلیان باطنی در برابر نگاه منفی بغدادی به آنان ریشه دارد. درست به همین دلیل، یادکرد اسماعیلیان باطنی در الملل و النحل در پایان فرقه‌های اسلامی اهل اصول و در انتهای فرقه‌های شیعی با یادکرد اهل سنت و جماعت در انتهای الفرق بین الفرق قابل قیاس است: بغدادی باب پنجم و پایانی کتاب خود را به ذکر اوصاف و اعتقادات اهل سنت و جماعت که آنان را «فرقه ناجیه» می‌دانست اختصاص می‌دهد؛^۱ و شهرستانی هم ذکر اسماعیلیان باطنی را در پایان فرق اسلامی اهل اصول و انتهای فرق شیعی قرار می‌دهد.^۲ چنان‌که در جای دیگری اشاره کرده‌ام،^۳ نگاه جانبدارانه شهرستانی در الملل و النحل را نباید از یاد برد، آنجا که تلویحاً گرایش خود را به باطنیه نشان می‌دهد و می‌نویسد: «و اکنون فرق اسلامی بآخر رسید و الا فرقت باطنیه بماند. و اصحاب تصانیف ایشانرا در کتب مقالات بیاورده‌اند بهری خارج از فرق اسلام و بهری داخل دران. و بر جمله ایشان قومی‌اند کی مخالف هفتاد و دو فرقت‌اند»؛^۴ اشاره‌ای که عبارت اخیر آن («ایشان قومی‌اند کی مخالف هفتاد و دو فرقت‌اند») با توجه به حدیث مشهور منسوب به پیامبر (ص)^۵ که از هفتاد و سه فرقه امت خود تنها یک فرقه را رستگار معرفی می‌کند^۶ چنین به خواننده القاء می‌کند که تنها پیروان این فرقه که مخالف دیگر فرقه‌ها اند رستگارند.^۷

۱. نک: بغدادی: ۳۱۲ به بعد.

۲. نک: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱ / ۱۷۰ به بعد؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۸۷ پ به بعد.

۳. عمادی حائری، از نسخه‌های استانبول: ۱۳.

۴. نسخه‌برگردان حاضر: ۸۷ ر؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱ / ۱۶۹.

۵. نک: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱ / ۲۱ (برابر با نسخه‌برگردان حاضر: ۲ پ)؛ همو، مفاتیح الأسرار: ۲ / ۶۶۴ (مخصوصاً از این جهت که مقصود از «اهل سنت و جماعت» را فرقه‌ای متفاوت از متفاهم مشهور معرفی می‌کند).

۶. برای نشانه‌های اسماعیلی دیگری در الملل و النحل، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، نه‌ایة الأقدام:

۱۹، پی‌نوشت ۱۵.

با این حال، شهرستانی گزارشی شایان توجه از اختلاف فکری و مناظراتش با اسماعیلیان نزاری - که در آن زمان به امامت امامی غایب معتقد بودند - عرضه کرده است؛ آنجا که از ایشان می‌خواهد تا امامشان را به او نشان دهند تا از تعالیم وی در الاهیات و معقولات آگاه شود: «و من با این قوم بر مقدمات مذکور مناظرات بسیار کرده‌ام و ازین در نمی‌گذشتند کی درین کی می‌گویی بتو حاجت هست این از تو بشنویم [و] از تو درآموزیم. و من در احتیاج [به معلّم] با ایشان مساهله کردم و گفتمی: کجا است این کس کی باو حاجت است و در الهیات چه تقریر می‌کند و در معقولات چه رسم می‌نهد کی معلّم نه بسوی آن باید تا او را بینند بآن باید تا بیاموزاند، و شما باب علم در بسته‌اید و باب تسلیم و تقلید بازگشاده، و هیچ عاقل بآن راضی نباشد کی مذهبی اعتقاد کند کی در آن بصیرتی نباشد و طریقی سپرد کی دران بیّنتی ندارد».^۱ این اختلاف و مناظره، گویای تفاوت‌های فکری شهرستانی با اسماعیلیان نزاری است؛^۲ و البته شهرستانی یک اسماعیلی تمام‌عیار نبود.

۲ - ۳. شهرستانی در کنار اشاعره و در برابر کرامیان

شهرستانی یک اسماعیلی تمام‌عیار نبود و در تلفیقی شایان توجه جنبه‌های مشترکی از کلام اشعری و الاهیات اسماعیلی را، مثلاً در مسئله نزاع برانگیز حسن و قبح عقلی،^۳ جمع آورده بود. بنابر مقدمه شهرستانی بر مفاتیح الأسرار، وی پس از

۱. شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۱۷۸؛ برابر با: نسخه برگردان حاضر: ۹۱ ر.

۲. برای تحلیلی از اختلاف شهرستانی با نزاریان تعلیمی هم عصرش، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، نه‌ایة الأقدام: ۱۱.

۳. ردّ تحسین و تقبیح عقلی در آثار شهرستانی را نه تنها به تفصیل در قاعده هفدهم کتاب نه‌ایة الأقدام (: ۳۷۰ - ۳۹۶) که در ساختار کلامی اشعری تألیف شده می‌توان دید، بلکه در کتاب الملل و النحل (: ۱/ ۲۸، برابر با نسخه برگردان حاضر: ۶ پ، که اعتراض بر پیامبر^(ص) را با اعتقاد به حسن و قبح عقلی مقایسه می‌کند) و «مجلس ... منعقد در خوارزم» (: ۱۵، که می‌گوید: «تو خود چه دانی که در

آموزش در مکتب متکلمان سنی اشعری، مشخصاً نزد سلمان بن ناصر انصاری نیشابوری (م ۵۱۲ ق)، و در پی مطالعات شخصی اش به باورهای اسماعیلیان نزاری علاقه‌مند شد و در نهایت به وساطت یکی از داعیان اسماعیلی به ایشان گرایش یافت.^۱ از همین روست که اگرچه شهرستانی در مفاتیح الأسرار اشاعره را در کنار معتزله می‌نشانند و یادآور می‌شود که اگر ایشان علم را از «اولی الأمر» برمی‌گرفتند به ورطه باورهای نادرست نمی‌افتادند،^۲ و در مجلس‌گویی خود در خوارزم از «معتزلیان» و

→

زیر هر حکمی چه حکمت است؟ ... عقل علت‌جوی را بگوی اگر می‌خواهی که فریشته‌صفت شوی بگوی لا علم لنا الا ما علمتنا؛ و حس جهت‌جوی را بگوی اگر می‌خواهی که روحانی‌صفت شوی بگوی سمعنا و اطعنا» نیز اعتقاد به حسن و قبح عقلی مورد طرد و رد قرار گرفته است. برای اشاره‌ای به حسن و قبح شرعی به عنوان وجه مشترکی در تفکر دوگانه اشعری - اسماعیلی شهرستانی، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، «نهایة الأقدام»: ۱۳ و ۲۶، پی‌نوشت ۵۲. شایان توجه آنکه در همان قرون ششم و هفتم، قزوینی رازی (: ۴۴۸ - ۴۴۹) به دلیل همین اعتقاد به شرعی بودن حسن و قبح اشاعره را متهم به قرابت فکری با ملاحده اسماعیلی می‌کند و طوسی (تلخیص المحصل: ۴۰۷) نیز یادآور می‌شود که اسماعیلیان هفت امامی (سبعیه / تعلیمیه) اعتقادی به حسن و قبح عقلی ندارند.

۱. شهرستانی، مفاتیح الأسرار: ۱/ ۵. من در مقدمه خود بر نهایة الأقدام با اعتماد به متن ویراسته آذرشب از مفاتیح الأسرار (همان‌جا) نوشته بودم که شهرستانی استاد اشعری خود، سلمان بن ناصر انصاری، را نخستین کسی معرفی می‌کند که «او را بر اساس کلمات اهل بیت و اولیای آنان از اسرار قرآن ... آگاه ساخت» و از این «برمی‌آید که انصاری دست کم به برخی عقاید شیعی گرایش‌هایی داشته است» (عمادی حائری، «مقدمه»، «نهایة الأقدام»: ۹-۱۰). این امر البته با گرایش‌های کلامی شناخته‌شده انصاری (نک: همان: ۹) همخوان نبود و همین برای من نیز تعجب‌آور و محل تردید می‌نمود (نک: همان: ۱۲، که با قید «ظاهراً» به باورهای شیعی انصاری اشاره کرده‌ام). اما چنان‌که ایمن شحاده یادآور شده، تصرف نادرست مصحح در متن (نک: شهرستانی، مفاتیح الأسرار: ۱/ ۵ و پانوش ۳ همان‌جا، که مصحح به نادرست «من» را به متن افزوده و ضبط صحیح «مطالعات» را به «مطالعات» بدل کرده است) موجب شده که خوانندگان نوشته شهرستانی - به اشتباه - انصاری را در تفسیر متمایل به اسماعیلیان بینگارند (نک: شحاده: ۵۴، پانوش ۵، و مقاله‌ای از وی که در همان‌جا بدان ارجاع داده است).

۲. نک: شهرستانی، مفاتیح الأسرار: ۱/ ۱۲۶.

«کرامیان» و «اشعریان» در کنار هم یاد می‌کند و هر سه گروه را بی‌خبر از حقیقتِ «خلق» و «امر» معرفی می‌کند،^۱ و در نهایتِ الأقدام نیز گه‌گاه به نقد تّوآمان فریقین (اشاعره، معتزله) می‌پردازد و آرای هر دو دسته را نقد و رد می‌کند،^۲ با این حال گزارش موافق او دربارهٔ ابوالحسن اشعری (در موضوع ردّ تحسین و تقبیح عقلی) و اشاره به پیروی متکلمان بزرگ اشعری از وی را - با تعبیر تبجیل‌آمیز «جماعتی از محققان چون قاضی ابوبکر باقلانی و استاذ ابوالحسن الاسفراینی و استاذ ابوبکر بن فورک» - در الملل و النحل می‌توان دید.^۳

می‌دانیم که اشعریان و اسماعیلیان هیچ‌گاه رابطهٔ حسنه‌ای با کرامیان نداشته‌اند. در این میان، روایت مخالف شهرستانی با کرامیه^۴ - هرچند سرسختانه و تند است - با روایت بغدادی^۵ یکی نیست و به دلیل همین کاستی‌ها و افزوده‌هایش شایان توجه است؛ به ویژه آنکه عصر شهرستانی روزگاری است که کرامیان اندک اندک از صفحهٔ تاریخ محو می‌شدند. شهرستانی به وجود پیروان ابوعبدالله محمد ابن کزّام در «غرچه و غور و سواد بلاد خراسان» اشاره می‌کند^۶ و اشاراتی ملایم هم به [ابوعبدالله] محمد بن الهیصم (از علمای متأخر کرامی) دارد.^۷

۱. نک: همو، «مجلس ... منعقد در خوارزم»: ۱۷.

۲. نک: همو، نهاية الأقدام: ۴۱۱ - ۴۱۵: «وللفریقین فی التوفیق والخذلان والشرح والطبع وامثالها کلام علی طرفی الغلو والتقصیر، والحق بینهما دون الجایز منهما. قالت المعتزله ... قالت الأشعریه ... والقصد بین الطریقتین أن ... والحق الذی لا غبار علیه ...».

۳. نسخه‌برگردان حاضر: ۱۲ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۳۸.

۴. نک: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۳۸، ۹۹ - ۱۰۴؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۱۲ پ، ۴۸ ر - ۵۱ ر.

۵. نک: بغدادی: ۲۱۵-۲۲۵.

۶. نسخه‌برگردان حاضر: ۱۲ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۳۸.

۷. شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۳۸، ۱۰۲؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: همان: ۱۲ پ، ۵۰ ر.

۲- ۴. شهرستانی، فلسفه در تقابل دین و جریان غالب فلسفی در روزگار او

یکی از ابتکارات شهرستانی در الملل و النحل، وارد کردن نام و اندیشه‌های فیلسوفان در زمره اهل اهواء و نحل است.^۱ می‌دانیم که شهرستانی با فلسفه، مخصوصاً از نوع ارسطویی - سینیایی آن،^۲ سخت مخالف بود؛ چنان‌که مصارعة الفلاسفة خود را مشخصاً در ردّ فلسفه سینوی نوشت. شهرستانی معتقد بود که همچنان‌که خدا با زبان پیامبران سخن می‌گوید فیلسوفان سخن ابلیس را باز می‌گویند.^۳ اهتمام ویژه شهرستانی در الملل و النحل به ذکر احوال و آراء فیلسوفان در زمره «اهل اهواء» (در برابر «ارباب دیانات»)، نشان از طرز نگاه وی به جایگاه فلسفه در برابر دین و تضاد آنها با هم دارد؛ همچنان‌که روایت مفصل وی از آرای ارسطو^۴ و ابن سینا (به عنوان نماینده فلسفه ارسطویی در دنیای اسلام)^۵ گویای رونق فلسفه ارسطویی - سینیایی در آن ادوار، با وجود مخالفت گسترده غزالی و پیروان وی،^۶ است.

به نوشته فخر رازی، در عصر وی فلسفه ابن سینا (مشخصاً بر اساس الإشارات و التنبیها^۷ او) مورد توجه و محل بحث و تدقیق بوده است.^۸ یادکردهای شهرستانی از ابن سینا به نوعی مؤید نوشته فخر است؛ آنجا که ابن سینا را «علامة قوم»^۹ و «مقدم و

۱. نک: همان: ۲/ ۲۴۱-۶۵؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۱۴۷ پ - ۲۴۵ پ.

۲. برای اشاره‌ای به مواجهه متفاوت شهرستانی با فلسفه ارسطویی - سینیایی در قیاس با فلسفه‌ای که آن را الهی می‌نامد، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، نهاية الأقدام: ۲۴، پی‌نوشت ۳۹.

۳. شهرستانی، مفاتیح الأسرار: ۱/ ۲۷۹: «كما أنَّ الله - تعالی - يتكلم على لسان الأنبياء - عليهم السلام -، كذلك إبليس يتكلم على لسان الفلاسفة».

۴. نک: همو، کتاب الملل والنحل: ۲/ ۱۲۹ - ۱۴۵؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۱۷۹ پ - ۱۸۸ پ.

۵. نک: همان: ۲/ ۱۶۸ - ۲۴۱؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۲۰۰ ر - ۲۴۵ پ.

۶. درباره این جریان ضد فلسفه، نک: عمادی حائری، «مقدمه»، حلّ مشکلات ...: ۱۱-۱۳.

۷. نک: رازی، شرح الإشارات و التنبیها: ۱/ ۲.

۸. نسخه‌برگردان حاضر: ۲۰۰ ر؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۲/ ۱۶۸.

رئیس متاخران^۱ می‌نامد، روش فلسفی او را دقیق‌تر و عمق آن را بیشتر از دیگر فیلسوفان مسلمان می‌شمرد، و به همین دلیل برای گزارش آرای فیلسوفان مسلمان به انتخاب از کتاب‌های او بسنده می‌کند.^۲ با این حال، شهرستانی فیلسوفان مسلمان و از جمله ابن‌سینا را یکسره مقلدان ارسطو می‌شمارد، مقلدانی که به واسطه تقلید از ارسطو به وادی گمراهی افتاده‌اند.^۳

۳. ترجمه کهن کتاب الملل و النحل: از نشانه‌های نزاری تا ویژگی‌های زبانی^۴

دستنویس‌های کهن متعددی که از الملل و النحل شهرستانی بر جای مانده،^۵ گواه تداول و شهرت این اثر در زمانی نزدیک به روزگار مؤلف است. ترجمه‌های فارسی کتاب، از سوی دیگر، می‌تواند نشانه توجه به این متن در محیط فارسی‌زبان باشد. جز ترجمه کهن نسخه‌برگردان حاضر که بیشتر از آن سخن خواهیم گفت، ترجمه فارسی دیگری از الملل و النحل می‌شناسیم با عنوان تنقیح الأدلة و العلل فی ترجمه کتاب الملل و النحل که افضل‌الدین تُرکه اصفهانی آن را در سال ۸۴۳ ق در اصفهان به پایان آورده

۱. نسخه‌برگردان حاضر: ۱۷۹ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱۶۸/۲.
۲. نک: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱۶۸/۲؛ برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۲۰۰ ر. نیز نک: همان: ۱۲۹/۲ (برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۱۷۹ پ) که می‌نویسد در نقل آرای ارسطو به پیروی از ابن‌سینا شرح ثامسطیوس را ملاک انتخاب خود قرار داده است.
۳. نک: شهرستانی، کتاب الملل و النحل: ۱۲۹/۲ (برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۱۷۹ پ)، نیز: ۱۶۸/۲ (برابر با: نسخه‌برگردان حاضر: ۲۰۰ ر) که یادآور می‌شود فیلسوفان مسلمان در بخش‌های اندکی از رأی افلاطون و فیلسوفان متقدم یونانی پیروی کرده‌اند.
۴. بخش‌هایی از این قسمت از مقدمه پیش‌تر در اینجا به چاپ رسیده است: عمادی حائری، از نسخه‌های استانبول: ۱۱-۱۵.
۵. برای آگاهی از نسخه‌هایی کهن از الملل و النحل که در قرون ششم و هفتم کتابت شده و در کتابخانه‌های ترکیه محفوظ است، نک: ششن: ۵۲۸؛ عمادی حائری: از نسخه‌های استانبول: ۱۵، پی‌نوشت ۹.

است.^۱ چند قرن بعد (در سال ۱۰۲۱ ق در لاهور)،^۲ مصطفی بن خالقداد هاشمی عباسی آن ترجمه را از نو با عنوان توضیح الملل تحریر کرد. آن ترجمه و این تحریر، سال‌ها پیش به اهتمام سید محمدرضا جلالی نائینی (به ترتیب در ۱۳۲۱ ش و ۱۳۶۱ ش) تصحیح و منتشر شده و پس از آن نیز تجدید چاپ گردیده است.^۳

اما در تابستان ۱۳۹۰ ش که در کتابخانه سلیمانیه به بررسی نسخه‌های خطی فلسفی، کلامی و عرفانی کتابخانه‌های استانبول اشتغال داشتم، با دستنویس ترجمه‌ای کهن از الملل و النحل روبرو شدم که با ترجمه ترکه اصفهانی و تحریر هاشمی از آن تفاوت داشت؛ و تا آنجا که جستجو کردم نسخه‌ای دیگر از آن نیافتم. این همان دستنویس منحصر به فردی است که اینک به صورت نسخه برگردان پیش روی خواننده است. این نسخه به شماره ۲۳۷۱ در کتابخانه ایاصوفیا (استانبول) نگهداری می‌شود و تصویر آن به نشانی AYASOFYA 0002371 در کتابخانه سلیمانیه (استانبول) قابل دستیابی است. در بالای هر یک از دو صفحه نخست از متن این دستنویس،^۴ کتیبه‌ای آمده است که آنچه از نوشته آنها باقی مانده چنین خوانده می‌شود: «ترجمه کتاب الملل [و النحل]... [تاج] الدین محمد شهرستانه».^۵ چنان‌که از ترجمه دیباجه شهرستانی در نسخه برگردان حاضر

۱. نک: ترکه اصفهانی: ۴۶۴. چنان‌که جلالی نائینی در مقدمه خود بر ترجمه ترکه (: ۴۸-۴۹) یادآور شده است، ترجمه ترکه سوای آنکه حاوی برخی افزوده‌ها از سوی مترجم است برخی بخش‌های متن اصلی را نیز در بر ندارد، مانند بخش‌هایی که شهرستانی به نقل مطالب ابن‌سینا پرداخته که ترکه خود آن را از ترجمه‌اش حذف کرده و بخش عقاید عرب در جاهلیت که ترکه به سبب نقص نسخه اساس خود آنها را ترجمه نکرده است. جلالی نائینی به قصد تکمیل متن، این بخش‌ها را خود ترجمه کرده و درون کروشه در متن جای داده است.

۲. نک: هاشمی: ۴۷۶/۲-۴۷۷.

۳. برای مشخصات چاپی این دو متن، نک: منابع و مراجع همین مقدمه، ذیل: ترکه اصفهانی و هاشمی.

۴. نسخه برگردان حاضر: ۱ پ-۲ ر.

۵. همان: ۱ پ.

۶. همان: ۲ ر. چنین است در اصل («شهرستانه»)، و طبعاً «شهرستانه‌ای» تلفظ می‌شده است.

پیداست، این ترجمه بر اساس متن تجدیدنظرکرده شهرستانی فراهم آمده است؛ متنی که وی در آن مقدمه نخست خود را - که در آن ذکر نصیرالدین ابوالقاسم محمود بن مظفر وجود داشت - حذف و تلخیص کرد و مقدمه کوتاهی را جایگزین آن ساخت.^۱ نسخه ۲۶۲ برگ دارد؛ عناوین متن با جوهر سرخ،^۲ و برخی عناوین اصلی تر به قلمی درشت تر و با جوهر زر تحریردار نوشته شده است؛^۳ برخی از عنوان ها را نیز با جوهر سبز فیروزه ای کتابت کرده اند؛^۴ در برخی صفحات نیز، متن به صورت دوستونی صفحه آرای شده است.^۵ نسخه از آغاز و انجام کامل است، ولی در آغاز و انجام آن هیچ یادداشتی که نشانی از مترجم، کاتب و تاریخ کتابت آن به دست دهد نمی توان یافت؛ همچنان که هیچ مقدمه و مؤخره ای از مترجم در این ترجمه نیست. با این حال، به قرینه متن فارسی اثر و خط نسخه می باید آن را از قرن ششم دانست، یعنی در روزگاری نزدیک به زندگانی شهرستانی و یا حتی معاصر با حیات او.

در این ترجمه، بارها از پیامبر^(ص) با عبارت «صلی الله علیه و آله و سلم»،^۶ از امام علی^(ع) با کاربرد «امیر المؤمنین»^۷ و عبارت «علیه السلام»^۸ و «صلوات الله علیه»،^۹ از

۱. برای مقدمه نخست شهرستانی بر الملل و النحل، نک: مقدمه جلالی نائینی بر هاشمی: ۱/ ۵۹-۶۱.

۲. برای نمونه، نک: نسخه برگردان حاضر: ۲، ر: ۱۹، پ: ۲۷، پ: ۲۸ ر.

۳. برای نمونه، نک: همان: ۲، ر: ۱۶، پ: ۱۷، ر: ۱۹ ر.

۴. برای نمونه، نک: همان: ۱۵، پ: «منها»، ۱۶، پ: «من ذلک»، ۵۴، ر: «شعر»، ۶۱، پ: «تمامت رجال رجال خوارج»، ۶۵، ر: «تمامت رجال مُرجیه»، ۷۹، ر: «نامها، امامان دوازده گانه نزدیک امامیان»، ۸۷، ر: «اسامی رجال شیعه و مصتفان ایشان»، ۱۱۵، ر: «النور ... الظلمة»، ۱۷۲، پ: «و از حکمتها، او آنست».

۵. برای نمونه، نک: همان: ۵۷، پ: ۶۰، ر: ۷۵، پ: ۷۶ ر.

۶. برای نمونه، نک: همان: ۴۷، ر: نیز: ۸، ر: «علیه و آله السلام».

۷. برای نمونه، نک: همان: ۹، ر: ۹، پ.

۸. برای نمونه، نک: همان: ۹، ر: ۵۲، ر: ۷۳ ر.

۹. همان: ۸ ر.

فاطمه زهرا^(س) با عبارت «علیها السلام»،^۱ از امام حسن^(ع)، امام حسین^(ع) و امام زین العابدین^(ع) با عبارت «صلوات الله علیهم»^۲ و از امام محمد باقر^(ع) و امام جعفر صادق^(ع) با عبارت «علیهما السلام»،^۳ نام برده شده است. از سوی دیگر، درباره خلفای سه گانه^۴ و عایشه^۵ هیچ تعبیر احترام آمیزی به کار نرفته است، حال آنکه از ابن عباس^۶ و بوذر^۷ با تعبیر «رضی الله عنه» نام می برد. با این شواهد، پیداست مترجم - یا دست کم کاتب - پیرو یکی از فرق شیعی است؛ چرا که اگر چنین نبود این تعبیرات و کاربردها را نمی نگاشت یا نگاه نمی داشت. مترجم / کاتب شیعه امامی نیست، زیرا علاوه بر مخالفت صریح متن با شیعیان دوازده امامی،^۸ از ائمه متأخر امامیه - از امام موسی کاظم^(ع) به بعد - با عبارت «علیه السلام» یاد نمی کند.^۹ با توجه به گرایش های خاص اسماعیلی که از شهرستانی می شناسیم و پیش تر از آن سخن رفت، باید همه این نشانه های شیعی را نشأت گرفته از متن مبدا، ترجمه حاضر بدانیم؛ حتی اگر در نسخه های کنونی و چاپ های متداول متن عربی الملل و النحل نتوان آنها را یافت.^{۱۰}

۱. همان: ۸ ر.

۲. همان: ۷۴ پ.

۳. برای نمونه، همان: ۷۰ ر، ۷۴ پ.

۴. همان: ۷ ر - ۹ ر، ۷۱ پ.

۵. همان: ۹ ر - ۹ پ.

۶. همان: ۷ ر.

۷. همان: ۹ ر.

۸. برای نمونه ای آشکار، نک: همان: ۷۷ ر - ۷۹ ر؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱۵۰ / ۱ - ۱۵۴.

۹. برای نمونه، نک: همان: ۷۶ پ - ۷۷ ر.

۱۰. برای نمونه هایی از تغییرات عقیدتی (از کاربردهای شیعی به کاربردهای سنی) در نسخه های عربی الملل و النحل، نک: همان: ۹ ر - ۹ پ، و قس: شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱ / ۳۳، که «علیه السلام» (در ترجمه) به «رضی الله عنه» (در متن عربی) بدل شده و برای عایشه نیز عبارت «رضی الله عنها» (در متن عربی) افزوده شده است.

نشانه‌هایی در این ترجمه فارسی هست که نشان می‌دهد مترجم - یا دست کم کاتب - از نزاریان اسماعیلی است. هر چند - به تبع متن مبدا - برای اسماعیل بن جعفر و اعقاب او عبارت «علیه السلم» و مانند آن به کار نرفته است^۱ و علاوه بر آن قدحی هم در باب تعلیمیه (نزاریان)، ایده تعلیم و مخصوصاً جنبه جزمی و تحکّم و تسلیم الاهیّات تعلیمی در آن هست،^۲ اما به هنگام ذکر «اصحاب دعوة جدیدة»^۳ و در ذیل نام «حسن بن علی الصّبّاح» - به به خطی که خط کاتب می‌نماید و افزوده او به متن اصلی - عبارت «قدّس الله روحه» و در ذیل «امام» (که مقصود از آن امام فاطمی مصر است) عبارت «لذکره السلم» افزوده شده است.^۴ برخی ویژگی‌های گویشی که در نسخه‌های آثار نزاری دامغان دیده می‌شود (گو اینکه مختص آن نسخه‌ها نیست) در این متن نیز به چشم می‌آید، مانند آوردن «ها» بر سر افعال.^۵ با توجه به آنکه نزاریان شهرستانی را از داعیان خود به شمار می‌آورده‌اند،^۶ دور نیست که کسی از آنان الملّ و النحل او را - با وجود وجهه ظاهراً بی‌طرفانه و حتی مخالف آن با نزاریان - از سر ارادت و احترام به فارسی برگردانده باشد. اسماعیلیان سابقه‌ای کهن در فارسی‌نویسی دارند و - علی‌رغم آنکه بسیاری از آثار اسماعیلی فارسی باید از میان رفته باشد - آثار متعددی به زبان فارسی از اسماعیلیان در دست است، هم از اسماعیلیان

۱. نک: همان: ۷۶ ر، ۸۷ پ.

۲. نک: همان، ۹۱ ر - ۹۱ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملّ والنحل: ۱ / ۱۷۸.

۳. نک: همان، ۸۹ پ؛ برابر با: شهرستانی، کتاب الملّ والنحل: ۱ / ۱۷۵.

۴. همان‌جا.

۵. برای نمونه، نک: همان، ۷۵ پ: «انگشتی او هانگیرد»، ۲۵۵ ر: «امر او ازو هاگیرد»؛ قس: عمادی حائری، «روضه تسلیم»: ۴۴۵، که به همین ویژگی در روضه تسلیم توجه می‌دهد. برای نمونه‌هایی از این کاربرد در گویش قدیم قومس و از زبان ابوالحسن خرقانی (م ۴۲۵ ق)، نک: شفیع کدکنی: ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۸۱، ۲۲۲، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۸؛ قس: همان: ۲۵۶، ۲۵۷، ۳۰۰ (با ضبط «هو» به جای «ها»).

۶. نک: طوسی، سیر و سلوک: ۳، که از «تاج‌الدین شهرستان» با عنوان «داعی الدعاء» نام می‌برد.

مقدم همچون محمد بن سرخ نیشابوری (م. نیمه نخست قرن پنجم) مؤلف شرح قصیده ابوالهیثم، هم از اسماعیلیان عهد مستنصر همچون ناصر خسرو (م. ح. ۴۸۱ ق) صاحب آثار فارسی متعدد، و هم از اسماعیلیان نزاری همچون حسن صباح (م ۵۱۸ ق) نویسنده چهار فصل و پیروان او. در این میان، از ترجمه‌های متون اسماعیلی از عربی به فارسی نیز باخبریم که نمونه کهن آن ترجمه مؤیدالدین شیرازی (م ۴۷۰ ق) است از اساس التأویل قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق) با عنوان بنیاد تأویل.^۱ ترجمه کهن الملل و النحل را - با توجه به نشانه‌های اسماعیلی‌بی که برای آن برشمردیم - می‌توان در زمره چنین ادبیاتی جای داد.

مترجم الملل و النحل، در ترجمه از عربی به فارسی کاملاً وفادار به متن اصلی است. آنچه در متن فارسی این ترجمه جلب توجه می‌کند، بسامد بسیار بالای واژگان عربی است که بدون هیچ تکلفی و بدون اینکه از روانی متن بکاهند در این متن فارسی به کار رفته‌اند.^۲ میزان رسوخ واژگان عربی در این ترجمه و نیز ترکیب واژگان عربی با افعال فارسی^۳ تا آن اندازه است که اگر برخی کاربردها و ساختارهای کهن فعلی و قدمت خط نسخه نبود، به سختی می‌شد گمان برد که این متن از قرن ششم باشد. مترجم الملل

۱. درباره این اثر و برای قطعه‌هایی از آن، نک: عمادی حائری، «یگانه متن فارسی...»: ۲۲۰ - ۲۲۶.

۲. برای نمونه، نک: نسخه‌برگردان حاضر: استحقاق (۲۵۸ پ، س آخر)، تمادی (۶ پ، س ۴)؛ سریان (۴ ر، س ۱۲)؛ متمیز (۲۴۳ پ، س ۱۴)، مستکبر (۴ ر، س ۱۱)، مصدر (۴ ر، س ۶)، مصر (۴ ر، س ۹)، مظهر (۴ ر، س ۷)؛ معز (۲۰۹ ر، س ۱۳)، معیشت (۲۵۸ ر، س ۱۱)، مقرر (۲۵۳ پ، س ۱۸)، مناهج (۷ ر، س ۱۳)، منشعبه (۷۵ ر، س ۳).

۳. برای نمونه، نک: همان: ابتدا کردن (۲۲۵ ر، س ۱۹)، اعتبار کردن (۶ پ، س ۱۰ و ۱۹)، اعتراف آوردن (۲۵۵ ر، س ۱۵)، انتقال کردن (۷۵ پ، ستون ۲، س ۳)، انتما داشتن (۷۵ ر، س ۶)، به مثبت چیزی بودن (۲۵۵ ر، س ۱۸)، تبرا کردن (۷۵ ر، س ۱۳)، تخویف کردن (۷ ر، س ۴)، تقرّب کردن (۲۵۸ پ، س ۱۱)، در فعل و فکر آوردن (۲۵۵ ر، س ۱۷)، مخادعه کردن (۷ ر، س ۷)، معاودت کردن (۶ پ، س ۱۲)، منازعت پیوستن (۷۵ ر، س ۸)، نظر کردن (۲۴۰ ر، س ۵). در این میان ترکیب «لتبیک زدن» (۲۵۴ پ، س آخر؛ به جای «لتبیک گفتن» در تداول امروز مخصوصاً شایان توجه است.

و النحل حتی ضرورتی ندیده است که آیات^۱ و اخبار^۲ و اشعار^۳ و عبارات عربی^۴ را به فارسی ترجمه کند و حتی گاهی «قال» را به «گفت» ترجمه نکرده و همان «قال» را در متن فارسی خود آورده است.^۵ کاربرد گسترده لغات و آیات و اخبار و اشعار عربی را بدون ترجمه آن به فارسی، البته با غلظت بیشتری در برخی متون ترجمه‌ای معاصر این متن، همچون کیله و دمنه به ترجمه (از زبان عربی) و انشای نصرالله منشی در نیمه نخست قرن ششم و مرزبان‌نامه به ترجمه (از زبان طبری) و انشای سعدالدین وراوینی در نیمه نخست قرن هفتم، می‌توان دید؛ اما نباید از یاد برد که آن کتاب‌ها به جهت جنبه ادبی‌شان جلوه‌گاه عربی‌دانی و هنرنمایی‌های زبانی مترجم و منشی‌اند و از نظر نوع نگارشی با کتابی همچون ترجمه الملل و النحل، که به قصد استفاده فارسی‌زبانان فراهم آمده و نه برای هنرنمایی مترجم، به کلی متفاوت‌اند. بدین ترتیب، ترجمه حاضر از الملل و النحل نمونه روشنی است از رسوخ و ورود واژگان عربی در گفتار و نوشتار ایرانیان فارسی‌زبان قرن ششم.

در کنار آن عربی‌گرایی، واژه‌ها^۶ و شکل‌ها^۷ و ساختارهای فعلی^۸ کهنی در متن

۱. برای نمونه، نک: همان: ۶ پ، ۲۴۷ پ، ۲۵۵ ر؛ قس: ۲۵۵ ر (س ۱۴)، که از موارد نادری است که آیه قرآن به فارسی ترجمه شده است.
۲. برای نمونه، نک: همان: ۲ پ، ۲۴۸ ر.
۳. برای نمونه، نک: همان: ۲۴۹ ر - ۲۵۱ پ.
۴. برای نمونه، نک: همان: ۶ پ، ۷ ر، ۲۲۳ ر؛ قس: ۱۷ ر (س ۶-۷) که از موارد نادری است که عبارت عربی با افزوده «یعنی» ترجمه شده است.
۵. برای نمونه، نک: همان: ۱۸۱ ر، ۱۹۵ ر، ۲۲۴ ر.
۶. برای نمونه، نک: همان: اشکارا (۷ ر، ۹ س)، اوکندن (همان‌جا، س ۲۰)، پدیدار (همان‌جا، س ۱۱)، پوشیده (۶ پ، ۴ س)، پیغامبر (۷ ر، ۱۸ س)، باشگونه (۲۵۱ پ، ۱۵ س)، فریشته (۲۵۷ پ، ۱۰ س).
۷. برای نمونه: همان: «بنرود» (۶ پ، ۸ س)، «بنزیست ... بنماند» (۷۵ پ، ستون ۲، س آخر).
۸. برای نمونه: همان: «بادیا ... زادیا ... مزادیا» و «مبادیا ... مزادیا» (۲۵۲ ر، س ۱۵ و ۱۸)؛ با چیزی خواندن (۲۲۵ پ، س ۱۹)؛ با چیزی رجوع کردن (۲۰۴ ر، س ۲)؛ به چیزی گفتن (۷۵ ر، س ۳)؛ ۲۵۳ ر، س ۱۹؛ ۲۵۴ ر، س ۸ و ۹).

فارسی حاضر هست که حتی آنها را در بسیاری از متون قرن ششم نیز نمی‌توان دید. همچنین، دوگانگی در ساخت واژه‌ها،^۱ لغات عربی و فارسی هم‌معنی^۲ و ساختارهای فعلی،^۳ به خوبی از نوعی دوره گذار در نشر فارسی - دست کم در ناحیه‌ای از نواحی فارسی زبان - حکایت می‌کند. در این میان، باید به اعراب‌گذاری‌ها و نشانه‌های به کار رفته در این نسخه نیز اشاره کرد که از قضا با نشانه‌های کاربردی امروز ما همسان‌اند؛ همچون کاربرد گسترده تشدید^۴ و نیز کاربرد گسترده همزه بر روی «ه» غیرملفوظ.^۵ افزون بر آوردن «ها» بر سر افعال که به آن اشاره کردیم، کاربردهای گویشی شایان توجه دیگری نیز در این نسخه می‌توان یافت؛ مانند کاربرد «دریاود» و «یاویم» و «یاوند» به جای «دریابد» و «یابیم» و «یابند»،^۶ «ازنجا» به جای «ازانجا»،^۷ و «برکه» به جای «برکت».^۸

بیشتر ویژگی‌های ترجمه الملل و النحل را در تنها متن فارسی که از شهرستانی در دست داریم - یعنی «مجلس ... منعقد در خوارزم» که صورت مکتوب گفتار اوست -

۱. برای نمونه: «پیغامبر» (۷ ر، س ۱۸) و «پیامبر» (همان‌جا، س ۱۹).
۲. برای نمونه: «نخستین» (۱ پ، س ۱۱) و «اَوَّل» (۲۰۸ ر، س ۱۸)، «سرمدی» (۱۸۴ ر، س ۷) و «همیشگی» (همان‌جا)، «پسر سینا» (۲۰۰ ر، س ۱۳) و «ابوعلی بن سینا» (۱۷۹ پ، س ۸).
۳. برای نمونه: همان: ۲۵۳ پ (کردندی، بشستندی، نهادندی، بیاویختندی، گرامی داشتندی) را قیاس قیاس کنید با همان: ۶ پ (می‌کردند، می‌پرسیدند).
۴. برای نمونه، نک: ۱ پ - ۲ ر.
۵. نک: همان‌جا. پیداست که حساب «ه» در مواردی که به صورت «ای» تلفظ می‌شود و نمونه‌های بسیاری در نسخه‌های کهن فارسی دارد (ازجمله در نسخه برگردان حاضر، برای نمونه: ۲۵۷ پ، س ۱۰: فریشته = فریشته‌ای) از «تلفظ «ه» غیرملفوظ جداست.
۶. همان: ۴ ر (س ۴)، ۲۴۰ ر (س ۲)، ۲۲۵ ر (س ۴).
۷. همان: ۴ ر (س ۹)، ۷ پ (س ۱۷)، ۲۲۵ ر (س آخر). با توجه به وجود «ا» در عباراتی همچون «دران» (برای نمونه: ۹۱ ر، ۲۲۵ ر) این فرض که «ازنجا» صورتی رسم‌الخطی از «ازانجا» باشد منتفی است.
۸. همان: ۲۴۹ ر (س ۳ و ۴).

می‌توان دید؛ از ترجمه نکردن آیات قرآن^۱ و اخبار^۲ و اشعار^۳ و عبارات^۴ عربی گرفته تا کاربرد گسترده کلمات عربی،^۵ استفاده از شکل کهن‌تر برخی واژگان^۶ و وجود برخی ساختارهای فعلی قدیم.^۷ شاید قدمت دستنویس ترجمه الملل و النحل و نبود نامی از مترجم و کاتب، این پرسش را به ذهن بیاورد که آیا ممکن است این متن فارسی متن اصلی شهرستانی بوده باشد و وی بعداً متن فارسی خود را به عربی برگردانیده باشد؟ پاسخ منفی است؛ چرا که دست کم یک قرینه در متن فارسی هست که این پرسش‌ها را از میان برمی‌دارد، آنجا که شهرستانی به ترجمه عربی خود از متن فارسی چهار فصل حسن صبح اشاره می‌کند و حال آنکه در این متن فارسی اشاره به ترجمه متن حسن صبح از فارسی به عربی همچنان باقی مانده است: «و آن اینست کی من معرب کردم».^۸

ترجمه کهن الملل و النحل سوای آنکه یک اثر نسبتاً کهن فارسی از نوع متون ترجمه‌ای است، از این حیث که قاعدتاً به نسخه‌ای قدیم و احتمالاً اصیل از متن مبدا، (اصل عربی الملل و النحل) متصل می‌شود نیز درخور توجه و قابل مقایسه با ضبط نسخه‌های عربی کتاب است. در بخشی از ترجمه حاضر نیز که ترجمه تلخیص‌های

۱. برای نمونه، نک: شهرستانی، «مجلس ... منعقد در خوارزم»: ۹-۱.

۲. همان: ۱۶ (گرچه در مورد دوم همان صفحه ترجمه‌گونه‌ای از روایت منقول به دست می‌دهد)، ۱۹.

۳. همان: ۱۶، ۵.

۴. همان: ۹، ۱.

۵. برای نمونه، نک: همان: ۱ (مصدر، ظهور)، ۲ (نصیب، بدایت، کلمات تامات)، ۳ (ملک، مبدا، هدایت).

۶. همان: بویکر (۳۶)، فریشته (۴، ۱۲، ۳۶).

۷. همان: با سر سخن آمدن (۶، ۱)، به ترک چیزی گفتن (۱۴، ۱۲ و ۱۳)، شناختیمی (۱۹، ۲۱) س.

۸. نسخه برگردان حاضر: ۹۰ ر.

شهرستانی از آثار منطقی و فلسفی ابن سیناست،^۱ عملاً با ترجمه‌ای کهن از نوشته‌های منطقی و فلسفی ابن سینا روبرویم^۲ که از نظر تاریخ ترجمه متون منطقی و فلسفی از عربی به فارسی و تحول برابرگذاری‌های اصطلاحات منطقی و فلسفی می‌تواند درخور اعتنا باشد.

سید محمد عمادی حائری

اردیبهشت ۱۳۹۴ ش

۱. شهرستانی، کتاب الملل والنحل: ۱/ ۱۶۸-۲۴۱.

۲. نسخه‌برگردان حاضر: ۲۰۰ ر - ۲۴۵ پ.